

بررسی درباره روضۃ الصفا

تاریخ روضۃ الصفا یکی از کتابهای تاریخی مبسوط و مفصل دوره تیمور بشمار می رود. چنانکه مامی دانیم اولاً سلاطین مغول و تیمور از ارزش و اهمیت زبان و ادب فارسی آشنا نبودند و میلان طبع ایشان بطرف مدائح شائشگران و شاعران نبود. از همین سبب است که در زمانه ایشان شعر و ادب روی بزوال نمود تا آنکه با گذران وقت ایشان بطرف زبان و ادب رعبتی داشتند و خواستند که شرح جهانگشای ایشان در تواریخ ثبت شود تا برای نسلهای آینده یادگار بماند. لذا نزد مورخان و نویسندگان نیازمندی خودشان را اظهار کردند تا اخبار جهانگشای آنان و نیاگان شان را به رشته تحریر در آورند. لذا دوره تیمور و مغول از لحاظ آثار تاریخی درخشانترین بشمار می رود. خوشبختانه درین دوره مفصلترین و معتبرترین تاریخها به وجود آمدند مثلاً تاریخ جهانگشای جوینی از عطا ملک جوینی، جامع التواریخ از رشیدالدین فضل الله، تاریخ و صاف از و صاف حضرت شیرازی، زبدة التواریخ از حافظ ابرو، نظیر نامه تیموری و تاریخ روضۃ الصفا و غیره.

مؤلف روضۃ الصفا میرخواند یا امیرخواند است. نام وی سید محمد بن امیر

برهان الدین خواندشاه بن شاه کمال الدین محمود بلخی معروف به میرخواند یا امیرخواند
است. مولف خود را در کتابش محمد بن خواندشاه می نویسد.
میرخواند حسب و نسب عالی داشت ولی با وجود حسب و نسب بزرگ از کبر
و افتخار عاری بود. او از خردسالی بر حدیث و دیگر اصناف منجمه علوم معقوله و منقوله و
تبحر کامل داشت و در علم انشایی همتا بود.
در حسیب السیر می نویسد:

«حضرت مخدوم امجد خواند محمد از سایر اولاد عظام امیر خواندشاه،
بلکه از اکثر علماء فضائل پناه به جودت طبع و سلامت ذهن مستقیم
امتیاز داشتند و در ایام جوانی تحصیل کمالات نفسانی نموده در علوم
معقول و منقول نقش مهارت بر لوح خاطر نگاشتند.»

پدر میرخواند سید برهان الدین خواندشاه در بخارا تجارت می کرد. سلسله نسب
ایشان از چهار واسطه به سید اجل بخاری می رسد. اسم پدرش کمال الدین محمود بود. او بعد از
وفات پدر در صغر سن از وطن مالوف بخارا هجرت نموده به بلخ رسید و آنجا به تحصیل علم و
دانش اشتغال داشت و یکی از دانشمندان آن زمانه شد. سپس از بلخ سفر کرده به صحبت
مشائخ صوییه بزرگ در هرات آمد و بسیار شهرت یافت و مرید شیخ بهاء الدین گشت. تا
وفات وی آنجا ماند و پس از وفات مرشد خویش از هرات به بلخ رسید و در همین شهر
وفات یافت.

سید برهان الدین سه پسر داشت. ترتیب ایشان اینست: امیرخواند محمد و سید

نظام الدین سلطان احمد و سید نعمت اللہ. سید نظام الدین احمد در دربار سلطان سید نعمت اللہ مجذوب بود و سید محمد میر خواند که در سال ۸۳۷/۱۴۳۳ در بلخ بدینا آمد، جوانی در هرات گذشت چنانچه بالا اشارت رفت بیشتر ایام زندگانی را در آن شهر گذرانید و در زیر سایه امیر علی شیر نوائی تربیت یافت و آن وزیر وی را بسیار دوست می داشت. خانقاه 'خلاصه' که امیر در هرات ساخته بود خواند میر آ نجا زندگی می کرد و با جمع خاطر در کار تحقیق مصروف ماند. گفته اند که تالیف تاریخ روضه الصفا را از امر و تشویق آن وزیر آغاز کرده بود و نیز بنام او معنون کرده است.

چنانکه می دانیم که تاریخ روضه الصفا یکی از تواریخ مفصل و مبسوط فارسی است. این مجموعه عظیم مشتمل بر هفت جلد است ولی بدبختانه هفتمین قسمتش راوی تمام نکرده بود که مریض شد و صحت نیافت. بالا خرد در ذیقعدہ سال ۹۰۰۳ در شصت سالگی از دنیا گذشت^۲ و جسد او در هرات نزد مزار شیخ بھاء الدین مرشد پدر او سپرد خاک کردند.

او خود می نویسد:^۳

”..... از ابتدای سلطنت خاقان سعید (میرزا شاهرخ) تا نهایت دولت میرزا سلطان ابوسعید، این ضعیف نجیب بر پهلوی راست بر آستان افتاده و داستان دستان می نوشت، و از صعوبت درد میان (درد کمر) نتوانست یک صفحه را نوشته در سلگ تحریر کشد... به استراحت مشغول می شد، خوابهای عظیم دیده از هول آن بیداری گشت یا حرارت مفرط بر مزاج مستولی شده به حال انقباض می آید.“

از عبارت بالا معلوم می شود که مولف تا زمان خاقان سعید یعنی میرزا شاهرخ
رسیده بود که مرخص شد. از همین جهت است که شرح احوال سلطان ابوسعید را نتوانست
نوشت.

میرخواند کتاب روضۃ الصفار با نام علی شیرنوائی وزیر فاضل و هنرمند سلطان
حسین میرزا موخ کرده است. تاریخ پایان تالیف روضۃ الصفار ۷۹۹ هـ است.
عنوان کتاب روضۃ الصفار فی سیرت الانبیاء والملوک و الخلفاء^۴

است. چنانکه قبلاً اشارت رفت این تاریخ بر هفت جلد مشتمل است:

جلد اول: تاریخ انبیا و سلاطین قدیم ایران

جلد دوم: تاریخ حضرت رسول اکرم و شرح احوال خلفای راشدین

جلد سوم: تاریخ ائمه و شرح احوال امویان و عباسیان

جلد چهارم: تاریخ طاهریان و صفاریان و سامانیان و غزنویان و دیلمیان و اسمعیلیان و

سلجوقیان و خوارزمشاهیان و اتابکان و ملوک کرت و مطالب دیگر.

جلد پنجم: تاریخ ترکستان مغول، احوال چنگیزیان، اولاد چنگیزیان، احوال امرای مغول

چوپانیان و ایلخانان و سرداران و مطالب دیگر.

جلد ششم: امیر تیمور گورکان، اولاد امیر تیمور، میرزا شاهرخ، احوال اولاد شاهرخ،

احوال میرزا ابوالقاسم، احوال سلطان حسین بایقرا

جلد هفتم: این امر مسلم است که میرخواند به علت بیماری خودش نمی توانست بر مقدمه چیزی

بیافزاید لذا غیث الدین خواند میرنوه دختریش یادداشت های او را گرد

آورده و با تحقیقات خود آمیخته تاریخ وی را تا پایه تکمیل رسانیده
است. خواند میر آن کتاب را تا انجام کرا بدیع الزمان میرزا و سلطنت پسر
او محمد زمان میرا به تاریخ ۹۲۹ (شصت و پست و نه) یعنی ۲۶ سال پس از
مرگ جدش میرخواندر رسانیده است.

استاد‌هایی می‌نویسد:

”باید دانست که صاحب روضه الصفا تفسیر احوال و وقایع حوادث
عصر پسران ابوسعید را به مجلد هفتم موكول می‌کند که اثری از آن در
دست پیست و اگر در این باره و قسمتهای دیگر از قبیل تاریخ ایام
ممدوحان و مر بیان خود یعنی سلطان حسین بایقرا امیر علی شیر نوایی
چیزی نوشته باشد شاید از سواد به بیاض نیامده و اصلا از بین رفته یا
مسوداتش به دست نوه دختری او خواند میر افتاده و او در تالیف حبیب
السیر از آن استفاده کرده است.“

خاتمه جلد هفتم روضه الصفا مطالبی جغرافیائی تحت عنوان ”ملکحات“ نوشته شده
است. معلوم می‌شود که این ملکحات نظریه و عقیده نویسنده است. جواد مشکوری می‌نویسد:

”این ملکحات به عقیده نگارنده بایستی از خود میرخواند باشد که بعدها به دست نوه دختری
اش خواند میر افتاده و آن مطالب را با جرح و تعدیل و تقدیم و تاخیر بیشتر با عین عبارت
در جلد چهارم کتاب خود (از صفحه ۶۱۹ تا ۷۰۲) آورده است.“

در زمانه قاجار رضاقلی هدایت خان سه جلد بر روضه الصفا می‌خواند نوشته

است و آن را بنام ناصرالدین شاه منسوب کرده است و ازین نسبت نامش روضه
الصفای ناصری داشته است. هفتمین دلیل است که مجموعه جلدی شود.
البته باید دانست تاریخ میرخواند برشش جلد مشتمل است و جلد هفتم را نوه
دختری اش خواند میر با تمام رسانیده است ولی سه جلد دیگر از قلم رضاقلی خان هدایت
که بر تاریخ صفویه و افشاریه و زندیه و قاجاریه تا زمان ناصرالدین شاه مبنی است که آنرا
در مدت دو سال پایان رسانیده است. ترتیب آن سه جلد باین قرار است:
جلد هشتم: در تاریخ صفویه و احوال علماء و رجال آن دور
جلد نهم: در تاریخ زندیه و احوال علمای آن عهد و اعقاب زندیه و پادشاهی آقا محمد خان
قاجار و سلطنت فتح علی شاه قاجار و محاربات ایران و روس و جلوس میرزا ولیعهد در
تیمیز.

جلد دهم: در سلطنت محمد شاه قاجار و ده سال اول سلطنت ناصرالدین شاه تا سال
۱۲۷۳ هجری قمری.

پروفسور ادوارد براون می نویسد: ^۸

”از تالیفات رضاقلی خان متخلص به هدایت تالیف ملحقات
روضه الصفای میرخواند است که دنباله آن تاریخ مشهور را تا
سال ۱۸۵۷ ادامه می دهد. این کتاب هنگامی که مولف آن در
۱۸۵۵ میلادی (۱۲۷۲ هجری) از سفارت خوارزم بازمی گشت،
قریب با تمام بود. شرح این مسافرت رضاقلی خان در کتاب

سفارت نامه که مثنی فاری آنرا موسیو شفر یا ترجمه فرانسه در
۱۸۷۶-۹ طبع و نشر نموده، مندرج است. در آخر جلد نهم روضه
الصفای ناصری که به پایان سلطنت فتح علی شاه قاجار منتهی می شود
چندین صفحه مخصوص تذکره احوال اعیان دولت و شعرا و علما و سایر
مردمان بزرگ آن دوره آمده که حاوی نکاتی است راجع به
زندگانی آنان که در دو کتاب دیگر رضاقلی خان هدایت یعنی مجمع
الفصحاء و ریاض العارفین بنظر نمی رسد.

میرخواند مولف روضه الصفا برای تشکیل دادن این تاریخ مفصل منابع و
ماخذ معتبری عربی و فارسی را بکار برده است که تفصیله در مقدمه تاریخ نوشته است.
نثر روضه الصفا معروف ترین نثر آن زمانه است. مؤلف صنایع و بدائع
مانند تشبیهات و استعارات و مراعات النظیر و اجناس و احادیث و امثال و ترصیعات و
هممین تعقیدات و تطولات و مترادفات در آن روزگار عالم بود و مردمان می پسندند بکار برده
است.

نثر روضه الاصفا معروف ترین نثر آن زمانه است. مؤلف صنایع و بدائع
مانند تشبیهات و استعارات و مراعات النظیر و اجناس و احادیث و امثال و ترصیعات و
هممین تعقیدات و تطولات و مترادفات در آن روزگار عالم بود و مردمان می پسندند بکار برده
است.

اما این شیوه عبارت یا سبک نگارش که مشتمل بر تعقیدات و تکلفات و تطولات

و خودنمایی می باشد برای تاریخ نویسی خوب شد. درباره این سبک خود میرخواندمی نویسد: ۹:

«دستابش با سبکی منشیانه و متکلفانه که مشخون از تشبیهات و ترصیعات
و استعارات و تضمین آیات و احادیث و امثال و اشعار می باشد به
رشته تحریر در آمده، و این سبک منشیانه در آن روزگار معمول و رائج
بوده است.»

البته باید در نظر داشت گرچه سبک تحریر روضه الصفا پیچیده و مشکل هست ولی
از تعقید و تکلف سبک نگارش مانند تاریخ جهانگشای جوینی، تاریخ و صاف و غیره عاری
است و قابل فهم و درک است.

بیورتنج درباره تاریخ روضه الصفا می نویسد: ۱۰:

«با آن که کتاب اثری محققانه می باشد، ولی فاو از شخصیت و انتقاد
تاریخی است و شیوه تحریر آن از انواع قلنبه نگاری و نشرهای
متکلفانه است و کتابی است که در مشرق زمین شهرت فراوان
دارد.»

روضه الصفا تا اکنون سه بار چاپ شده است یکی در بمبئی در سال ۱۲۷۱ ه و
دیگری به شمولیت روضه الصفا ناصر در سال ۱۲۷۰ تا ۱۲۷۴ از تهران با چاپ سنگی
اشاعت شده. سوم این تاریخ به اهتمام کتابخانه خیام در ۱۳۳۸ تا ۱۳۳۹ شمسی چاپ شده
است.

نسخه های خطی روضه الصفا را در کتابخانه مختلف می توان یافت. ریو چند نسخه

قدیمی را نشان می دهد. یک نسخه قدیمی آن در کتابخانه موزه بریتانیا و نسخه دیگر در کتابخانه دانشگاه پرینستون Princeton و یک نسخه دیگر در کتابخانه تاشکند وجود دارد.

ترجمه روضه الصفادر بیشتر زبانهای جهان طبع شده است مانند ترکی، انگلیسی و فرانسه و آلمانی و لاتین و غیره.!

شاه آ D. Sheer در ۱۳۳۲ هـ (هزار و هشتاد و دو هجری) تاریخ بادشاهان ایران قدیم را از روی آن تاریخ به انگلیسی ترجمه کرد و در لندن به طبع رسانیده است. دو ساس D. Sacy تاریخ سلسله ساسانی را از روی آن کتاب به زبان فرانسه ترجمه کرد و در ۱۷۹۳ هـ (هزار و هفتاد و دو هجری) در پاریس به طبع رسانیده است. و ترجمه دیگر فرانسه ژوبر تاریخ ساسانیان را از روی آن کتاب ناشی کرده در ۱۸۴۳ هـ (هزار و هشتاد و سه هجری) در پاریس منتشر ساخته است. پینش (Junish) متن تاریخ پیش از اسلام را از آن کتاب بیرون آورده با ترجمه لاتین آن در ۱۷۸۲ هـ (هزار و هفتاد و هشتاد و دو) منتشر کرده است.

میلنشر لیک (Miltcherlik) دانشمند آلمانی متن تاریخ سلسله طاهریان را از آن کتاب استخراج کرده با ترجمه لاتین در ۱۸۱۴ هـ (هزار و هشتاد و سیزده در شهر گوتینگن منتشر کرده و طبع دوش در برلین منتشر شده است. علاوه ازین ویلکن (Wilken) متن تاریخ سامانیان را از کتاب بیرون آورده با ترجمه لاتین آن در ۱۸۰۸ هـ (هزار و هشتاد و هشت هجری) در گوتینگن به طبع رسانیده است. بعد از آن ویلکن دانشمند فوق الذکر متن تاریخ سلسله غزنویان را از آن کتاب بیرون آورده با

ترجمہ لاتین آن در ۱۸۳۲ھ (ہزار و ہشت صد و سی و دو ہجری) در برلن بطبع رسانیدہ
 است. ولس (Vullers) تاریخ سلابقہ با ترجمہ لاتین و آلمانی آن در ۱۸۳۷ھ
 (ہزار و ہشت صد و سی و ہشت ہجری) در گیسن بہ طبع رسانیدہ است.

حواشی:

- ۱- حبیب السیر، خواند میر جز و سوم از جلد سوم، ص ۳۹۹
2. He expired in the month of Zilqa'da, 903 corresponding with
 une 1948-aged sixty six years. The History of India, Elliot and
 Dowson, Vol. iv, pp.129, Delhi.
- ۳- روضۃ الصفا، میر خواند، ج ۶ ص ۳۶۶-۴
4. The full title of the work is Rauzat-s-Safa fi Siratul Ambia wal
 Muluk wal Kholafa - The Garden of Purity, continuing the History
 of Prophets, kings and khalifas" The History of India, Elliot and
 Dowson, Vol.iv, pp.127, Delhi.
- ۵- روضۃ الصفا، طبع خیام، ج ۷، میر خواند، ص ۳۶۶
- ۶- تاریخ حبیب السیر، مقدمہ استاد ہامانی، جلد اول طبع خیام، ص ۳
- ۷- فہرست کامل روضۃ الصفا، میر خواند، ص ۱۰-۹
- ۸- تاریخ ادبی ایران، ترجمہ رشید یاسمی، ج ۴، ص ۱۹۷
- ۹- روضۃ الصفا، طبع خیام، ج ۶، میر خواند، ص ۸۷۵
10. Encyclopaedic-e-Islam, Beveridge viii, pp.585
- ۱۱- فہرست کامل روضۃ الصفا، مقدمہ جواد مشکور، ص ۱۳-۱۲

